

فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۶، زمستان ۹۷

## مطالعه تطبیقی احساس امنیت در مناطق مرکزی و حاشیه نشین شهرستان ساری

علیرضا باقری<sup>۱</sup>

از صفحه ۱۷۱ تا ۱۹۹

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۲۳

چکیده

امنیت به عنوان پیش نیاز توسعه، برآیند مجموعه‌ای از تعاملات، تعاون و سازگاری بین اجزاء مختلف جامعه است. علاوه بر امنیت، موضوع احساس امنیت که به روان انسان‌ها مربوط است، جایگاه ویژه‌ای در بین مردم دارد. پژوهش حاضر با هدف مقایسه احساس امنیت در بین ساکنین بافت مرکزی و حاشیه‌ای در شهرستان ساری انجام گردید.

این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی است که به روش میدانی اجراء گردید. جامعه آماری پژوهش مردم ۱۵ تا ۴۴ ساله شهرستان ساری می‌باشند که به روش تصادفی تعداد ۳۹۰ نفر با استفاده از جدول کوکران به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. ابزار مورد استفاده پرسشنامه محقق ساخته احساس امنیت با ۲۰ گویه می‌باشد. برای مطالعه پایایی پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ و برای روایی نیز از روایی صوری و محتوا استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار استنباطی استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان ساکنین مناطق مرکزی و حاشیه نشین از نظر ۴ بعد احساس امنیت (امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت ناموسی، امنیت اجتماعی) وجود دارد. همچنین بین حضور و عملکرد پلیس و میزان احساس امنیت تفاوت معناداری وجود داشته، اما بین متغیرهای سن، جنسیت، تأهل و تحصیلات با احساس امنیت تفاوتی وجود ندارد.

نتیجه اینکه احساس امنیت فرایند روانی اجتماعی است که نمی‌توان بر افراد تحمیل نمود، بلکه بخشی از آن بر اساس علایق، خواسته‌ها و توانمندی‌های شخصیتی و روانی افراد شکل گرفته و بخشی دیگر با ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی به وجود می‌آید. به همین دلیل شناخت وضعیت احساس امنیت در جوامع شهری و مناطق حاشیه نشین بر اساس یافته‌های پژوهش می‌تواند به برنامه‌ریزی بهتر برای رشد و توسعه متوازن این جوامع کمک نماید.

**کلیدواژه‌ها:** احساس امنیت، امنیت اجتماعی، بافت مرکزی، مناطق حاشیه نشین، شهرستان ساری.

## مقدمه و بیان مسئله

امنیت از اساسی ترین نیازهای بشر بوده که قدمتی به اندازه عمر بشر دارد و دولت‌ها برای تأمین این نیاز اساسی، همواره امنیت را اولویت اول سیاست‌های خود قرار داده و برای کسب، حفظ و گسترش آن تلاش می‌کنند (یاوری بافقی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۵). آنچه مبرهن است این که، هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش لازم در جامعه نیست. هرگونه توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت امکان پذیر نیست (مؤذن جامی، ۱۳۸۴: ۳۴). امنیت از نظر گیدنز<sup>۱</sup> مخاطرات به حداقل رسیده‌ای است که ضامن تعادل و اعتماد می‌شود. به علاوه، امنیت مشمول فضای تجربی است که در یک فرایند جهانی با مجموعه‌ای از افراد ارتباط دارد (گیدنز، ۴۴: ۱۳۷۷). به طوری که انسان مدنی برای زندگی در جمع و دستیابی به مراتب بالای رشد، نیازمند امنیت و آرامش خاطری است که با رشد و نمو جرایم و انحرافات اجتماعی زمینه‌های ناامنی و شکل‌گیری کجروی در سطح جامعه بیشترین دلهره را ایجاد می‌کند (ساروخانی و هاشم‌نژاد، ۱۳۹۰: ۸۲). اهمیت وجود امنیت در یک جامعه توسعه یافته، به اندازه‌ای است که تمامی ابعاد اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است؛ اما یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه امنیت، احساس آرامش روانی مردم می‌باشد که از آن به عنوان امنیت روانی و یا احساس امنیت نام برده می‌شود. بر این اساس، احساس امنیت نقش مهم و حیاتی در کاهش یا افزایش امنیت دارد و با توجه به اینکه «امنیت روانی» یا «احساس امنیت» متأثر از افکار عمومی است، پس بدین جهت می‌توانند به طور مستقیم در بی‌ثباتی یا ثبات امنیت جامعه، مؤثر باشند (باقری، ۱۳۹۱: ۶۶). احساس امنیت فرآیندی روانی- اجتماعی است که صرفاً بر افراد تحمیل نمی‌شود، بلکه اکثر افراد جامعه براساس نیازها، علایق، خواسته‌ها و توانمندی‌های شخصیتی و روانی خود در ایجاد و از بین بردن آن نقش اساسی دارند (بیات، ۱۳۸۸: ۳۲). ارزش و جایگاه امنیت روانی به اندازه‌ای است که خلاقیت، نوآوری و استعدادهای انسان در پرنو آن شکوفا شده و انسان‌ها را به زندگی شرافتمندانه رهنمون ساخته و روح امید و نشاط را در آن‌ها احیا می‌کند. با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی

1. Giddense



در عصر مدرنیته و خارج شدن این روابط از حالت‌های ساده اولیه که بیشتر جنبه فیزیکی و محسوس داشته است، عوامل پنهان و غیرفیزیکی امنیت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اهمیت روزافزون می‌یابد. فقدان یا اختلال در امنیت، پیامد و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی برای افراد و دولت‌ها به دنبال دارد. در همین رابطه، دولت‌ها و نظام سیاسی، سالانه بودجه‌های هنگفتی را هزینه می‌کنند (ترابی و گودرزی، ۱۳۸۴: ۲۶۵)، تا بتوانند امنیت پایداری را برای آحاد مردم به ارمغان آورند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، یکی از مهم‌ترین دلایل مهاجرت از روستاها به شهرها، بهبود کیفیت زندگی و برخورداری از شرایط بهتر زیست اجتماعی بوده و این مهاجرت‌ها منجر به تراکم جمعیت در مناطق شهری می‌گردد. بر اساس نظر اندیشمندان، مهاجران را می‌توان از عاملان بروز جرایم در شهرها برشمرد؛ تراکم جمعیت بالا در بافت شهری، وجود خرده فرهنگ‌های مختلف، جدایی‌گزینی اکولوژیکی، پایین بودن سطح پیوندهای محله‌ای، بالا رفتن سن ازدواج و به تبع آن، افزایش مجرد در شهرها و عواملی از این قبیل، همه شرایط را برای بروز رفتارهای ناپه‌نجا در شهرها فراهم می‌کند (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۱)؛ جورج زیمل<sup>۱</sup> معتقد است با افزایش تراکم جمعیت در شهرها، شدت کنترل اجتماعی کاهش می‌یابد در نتیجه احساس تنهایی و گمنامی شهروندان بیشتر شده، فردیت آن‌ها مورد تهدید قرار می‌گیرد (ریتزر<sup>۲</sup>، ۱۳۷۳: ۱۵۶). با گسترش روزافزون شهرنشینی و توسعه کلان شهرها، به ویژه در دهه‌های اخیر، پدیده‌هایی چون صنعتی شدن، تراکم جمعیت، فشار ترافیک، ازمیان رفتن حس همسایگی و کاهش روابط خویشاوندی، کاهش اعتماد اجتماعی، مهاجرت و حاشیه‌نشینی افزایش یافته است و ناامنی و آسیب‌های اجتماعی در شهرها بیشتر مورد توجه قرار گرفته است (صالحی مرزيجرانی، ۱۳۸۴: ۱۶۴). بررسی‌ها نشان می‌دهد پدیده حاشیه‌نشینی یکی از مشکلات اساسی کشور بوده و رابطه تنگاتنگ آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی با حاشیه‌نشینی و مهاجرت گره خورده است؛ مناطق حاشیه‌نشین با وجود اینکه هر یک ویژگی‌های منحصر به فردی دارد، در برخی خصوصیات از جمله فقر، رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی گسترده وضعیت مشابهی دارند؛ در مناطق حاشیه‌نشین نرخ جرایم و بزه کاری به علت تراکم بالای جمعیت، شکستگی

1. George simmel

2. Reuters

## Archive of SID

ساختارها و ایجاد گسست‌های اجتماعی در وضعیت نگران‌کننده‌ای قرار دارد. این پدیده، موضوعی است که استان مازندران را نیز، علی‌رغم شرایط جغرافیایی ویژه و مواهب طبیعی که در طول سال پذیرای میلیون‌ها گردشگر می‌باشد، به خود معطوف نموده و به‌عنوان چالش اجتماعی در استان مطرح گردیده است. با توجه به مطالعات صورت‌گرفته، برخی از شهرهای استان از جمله شهرستان ساری، قائمشهر، بابل، آمل و نکا در حال حاضر با پدیده حاشیه‌نشینی مواجه بوده و نقاط حاشیه‌ای شهرستان‌های مورد بحث به محلی برای بروز جرایم و جولان مجرمین تبدیل شد که بخشی از توان فکری و اقتصادی استان مازندران را تحت تأثیر قرار داده است؛ از طرفی مردم شهرهای یادشده که از وضعیت حاشیه‌نشینی و بروز جرایم در این مناطق اطلاع دارند، از نابسامانی‌های موجود شدیداً نگرانند و به نظر می‌رسد بر آرامش عمومی مردم و به خصوص ساکنین این مناطق اثرگذار بوده است. از این رو، مقایسه میزان احساس امنیت در میان مردم ساکن در بافت مرکزی و مناطق حاشیه‌نشین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و اجرای پژوهش‌های میدانی در این حوزه ضرورتی انکارناپذیر است که نتایج آن می‌تواند برای مدیران و برنامه‌ریزان استانی و سازمان‌های مردم‌نهاد مورد استفاده قرار گرفته و به کاهش مکان‌های حاشیه‌نشین و افزایش احساس امنیت مردم این مناطق کمک نماید؛ لذا پژوهش حاضر به دنبال مقایسه احساس امنیت در بین ساکنین بافت مرکزی و مناطق حاشیه‌ای در شهرستان ساری می‌باشد.

## مبانی نظری پژوهش

### حاشیه‌نشینی

پدیده حاشیه‌نشینی ریشه در تاریخ اجتماعی انسان‌ها داشته و با توجه به شرایط و نوع زندگی بشر در قالب‌های گوناگون نژادی، مذهبی متبلور گردید. پدیده حاشیه‌نشینی را برای اولین بار در جهان غرب روبروت ا. سی. پارک<sup>۱</sup> آمریکایی از سردمداران جامعه‌شناسی شیکاگو، تحت عنوان مهاجرت انسانی و منازل حاشیه‌نشین مورد مطالعه قرار دادند. از نظر آن‌ها، انسان حاشیه‌نشین شخصیتی است که از حاصل برخورد یا پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت و احیاناً متخاصم ظهور می‌یابد.

1. c-park

به نظر آن‌ها حاشیه نشین آشنای بیگانه‌ای است که نسبت به دو نظام فرهنگی احساس بستگی و تعلق دارد ولی در عین حال خود را نسبت به هیچکدام کاملاً متعلق و متمایل نمی‌داند (بیات، ۱۳۸۴: ۸). این واژه در جوامع کهنسال تحت عنوان سکونتگاه‌های فقیر معرفی گردید و به مفهوم امروزی، نخست در کشورهای صنعتی همراه با رشد شتابان شهرنشینی و افزایش میزان مهاجرت روستاییان به شهرها به وجود آمده است. در کشورهای در حال توسعه نیز به دنبال برنامه‌های استعماری کشورهای صنعتی و نفوذ و اشاعه فرهنگ و تکنولوژی آنان در این کشورها شروع به رشد و توسعه نموده است (ریانی، ۱۳۸۱: ۶). حاشیه نشین به خانواده‌های تهیدست که غالباً مهاجر بوده و به تعبیر اسکار لوئیس آنان در نوعی فرهنگ فقر زندگی می‌کنند و به طور کامل جذب شیوه جدید زندگی شهری نشده‌اند و در حاشیه شهر به زندگی خود ادامه می‌دهند، گفته شده است (دراکاکیس<sup>۱</sup>، ۱۳۷۷: ۲۱). مناطق زاغه نشین، آلونک نشین، کپرنشین و در مفهوم کلی تر حاشیه نشین بخش‌های مورد غفلت واقع شده‌ای از شهر هستند که شرایط زندگی و مسکن در آنجا به شدت پایین و نامناسب است. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد اغلب این سکونتگاه‌ها بر روی اراضی حاشیه‌ای شهر که ارزش بسیار کمی دارند، واقع شده‌اند. مناطقی مانند دامنه تپه‌های اطراف شهر، زمین‌های مرطوب و مردابی، زمین‌های اطراف محل انباشت زباله‌های شهری، زیر کابل‌های فشار قوی، حاشیه رودخانه‌ها و نیز مکان‌هایی که در معرض خطر سیل بوده و سیلاب‌های موسمی در آنجا رخ می‌دهد (هادی‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۸). سیمون چپمن<sup>۲</sup> هشت ویژگی برای مناطق حاشیه نشین و موارد مشابه آن، به شرح زیر، بر می‌شمارد: ۱- عموماً غیرقانونی هستند؛ ۲- غالباً خلق الساعه هستند و از مواد و مصالح مختلف ساخته شده‌اند؛ ۳- معمولاً به وسیله خود ساکنان احداث شده‌اند؛ ۴- فاقد خدمات شهری مانند راه آسفالت، برق و سیستم دفع فاضلاب هستند؛ ۵- توسعه آن‌ها بدون برنامه ریزی و اغلب به صورت اتفاقی صورت می‌گیرد؛ ۶- مکان‌گزینی آن‌ها اغلب در لبه‌های شهری، حواشی خطوط آهن و بزرگراه‌ها و یا زمین‌های خالی از سکنه‌ای که در مجاورت مناطق مرکزی شهرها قرار دارند، صورت می‌گیرد؛ ۷- معمولاً در مناطق نامناسب شهری مانند زمین‌های ناهموار، حواشی کارخانجات، در مجاورت زمین‌های رها

1. Drakakis

2. Simon Chapman

شده و بلا استفاده تشکیل می شوند؛ ۸- جمعیت متراکم دارند که از خانواده های پرجمعیت تشکیل شده است (مسعودی فر، ۱۳۹۱: ۶۳).

### تبیین دیدگاه های حاشیه نشینی

**دیدگاه لیبرال:** در این دیدگاه اسکان غیر رسمی به مثابه معلول عوامل داخلی در کشورهای جنوب تلقی شده است و در جهت گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی خود به عنوان ضرورتی در فرایند این تحول قلمداد می شود، این دیدگاه، با آنکه به برخی از ابعاد پدیده حاشیه نشینی توجه دارد، اما تحلیلی ریشه ای از مسأله به دست نمی دهد و به طور کلی با حقیقت درگیر نمی شود و واقعیت اسکان غیر رسمی را از تبعات نظام جهانی موجود که در مجموع مورد قبول است می انگارد و بیشتر به برخی جنبه های اجتماعی، کالبدی و اقتصادی حاشیه نشینی تأکید دارد (صرافی، ۱۳۸۲: ۲۷۰).

**دیدگاه رادیکال:** در دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی بر خلاف اندیشمندان لیبرالی، گروه دیگر متفکران از جمله نظریه پردازان مکتب وابستگی در آمریکای لاتین، مانند گوندر فرانک، دوس ساتتوس، فورتادو، مانوئل کاستل و افرادی دیگر به طور کلی عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه را معلول تسلط اقتصادی کشورهای توسعه یافته کنونی می دانند و به نظر آن ها الگوی توسعه وابسته و برونزا و جریان صنعتی شدن وابسته، شهر نشینی شتابان و ناهمگون را به دنبال دارد، که به موازات رشد نامتعادل، نابرابری درآمدها افزایش می یابد و عدم تعادل های ساختاری جامعه شتاب می گیرد و به دیده آن ها برآیند عملکرد توسعه وابسته عبارت است از: پیدایش شکاف طبقاتی میان شهر و روستا، و در نتیجه ظهور گروه های حاشیه نشین شهری (رضایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۳-۶۲ به نقل از صرافی، ۱۳۸۲: ۲۷۱).

**دیدگاه جامعه گرایان جدید:** مانوئل کاستل در کتاب مسأله شهری درباره گروه های حاشیه ای در شهرهای کشورهای در حال توسعه می گوید: شهرنشینی با آهنگ شتابان گسترش می یابد و علی رغم اینکه امکانات اشتغال مولد برای جمعیت های تازه وارد (مهاجران) فراهم نیست، امکانات و تسهیلات زیر بنایی و اجتماعی شهری نیز با افزایش جمعیت شهرها متناسب نیست و بر اثر کمبود تسهیلات زیربنایی، اجتماعی و کالبدی، سکونتگاه ها و محله های نامتعارف از قبیل زاغه ها و آلودگی های حاشیه ای که از طریق مهاجران تازه وارد تهدیدست بر پا

شده، به نحوی خودرو و خودساز به وجود می آیند؛ وی نیز مانند اکثر اندیشمندان آمریکای لاتین حاشیه نشینی شهری را مولود نابرابری های اقتصادی- اجتماعی و شهرنشینی نا همگون و انتقال فقر روستا به شهر می داند.

گرچه حاشیه نشینی، در جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است، اما هدف اساسی از طرح پدیده حاشیه نشینی، صرفاً چگونگی شکل گیری آن نیست، بلکه بررسی روند، علل، پیامدها و نقش آن در امنیت اجتماعی و احساس امنیت در بین ساکنین آن مناطق بوده و کمک به برنامه ریزان، برای بهزیستی اجتماعی در آن مکان ها می باشد.

## امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی به مفهوم فنی اولین بار در سال ۱۹۹۳ توسط اندیشمندان چون باری بوزان<sup>۱</sup>، ویور<sup>۲</sup> و لمیتر<sup>۳</sup> به عنوان مکتب کپنهاک مطرح شد. هدف از طرح این عبارت، تهدیداتی بود که هویت گروه ها را در معرض خطر قرار داده بود. اعضای این مکتب معتقدند که زبان، تاریخ، فرهنگ و حتی نژاد و مرزهای سیاسی در تعیین هویت مهم هستند (نویدنیا، ۱۳۸۸: ۶۵). امنیت در لغت به معنای رهایی از خطر، تهدید، اضطراب، هراس، ترس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین و ضامن است (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۴). از نظر فارابی جامعه مدنی محصول تقسیم کار اجتماعی و تنها در جامعه ایمن و سرشار از امنیت و آبادی است که انسان به کمال و سعادت می رسد که در خور آن است دست می یابد، از دیدگاه فارابی، اگر نیاز فطری و دلیل عقلانی برای بقا و کمال موجب پیدایش اجتماع مدنی انسان شده است، عاملی که سبب تداوم حیات و قوام این اجتماع می گردد، اصل تعاون و همکاری و نه تغالب و ستیز و استیلا گری است؛ به عبارت دیگر، تعاون برای بقای جامعه مدنی، برای بقا و کمال انسان هاست. بدیهی است محصول تعاون، امنیت و آرامش و محصول تغالب و ستیزه چیزی جز ناامنی و هرج و مرج نیست (فارابی، ۱۹۵۵: ۹۶ م). مقوله امنیت به مثابه يك آرمان و واقعیت، به عنوان یکی از حقوق اساسی مردم مطرح است و در نهایت برآیند مجموعه ای از تعاملات و

1. Barry Bvzan

2. Waiver

3. Lmyter

## Archive of SID

نیز تعاون و سازگاری بین اجزاء مختلف نظام اجتماعی است (الکیمیم و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳: ۱۲۴). ساترلند معتقد است هر چه شهروندان با تعداد بیشتر و متفاوت تری در کنش متقابل باشند، احتمال بی نظمی و ناامنی افزایش می یابد (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۴۲). از نظر دورکیم امنیت زمانی در جامعه وجود دارد که همبستگی اجتماعی یا وجدان اجتماعی وجود داشته باشد و افراد جامعه خود را مقید به رعایت حقوق دیگران می دانند (نوبدینیا، ۱۳۸۳: ۳۸-۳۷). ریچارد کوپر<sup>۲</sup> برای امنیت دو جنبه قائل است: شرایط عینی و برداشت های ذهنی، شرایط عینی عبارتند از عوامل فیزیکی و وضعیتی که کمترین بایستگی ها را برای تأمین امنیت معین می کند؛ برداشت های ذهنی نیز پدیده هایی هستند روانی که ممکن است حتی با وجود شرایط عینی، وجود داشته باشند (صفاری راد و همکاران، ۱۳۹۴: ۶). احساس امنیت در واقع احساس مصونیت فرد در برابر تهدیدهایی است که از جانب کنشگران دولتی یا غیردولتی جان، مال، فکر و توانایی افراد را برای شرکت در اجتماعات دلخواه و یا حفظ این اجتماعات تهدید می کنند (طاهری، ۱۳۹۱: ۲۵). احساس امنیت به احساس روانی شهروندان از عوامل تهدیدکننده جرم برمی گردد و ممکن است میزان احساس ناامنی فرد با واقعیت خارجی میزان عوامل تهدیدکننده مطابقت نداشته باشد؛ یا برعکس، متناسب با میزان و اثر عوامل تهدیدکننده، میزان احساس ناامنی فرد نیز در نوسان باشد. بنابراین در جامعه ای که امنیت وجود دارد، ضرورتا احساس امنیت ممکن است وجود نداشته باشد، چرا که احساس امنیت از عواملی مانند ذهنیت مردم از جامعه مورد مطالعه نشأت می گیرد (عبدالله<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲: ۶۴).

### تئوری های احساس امنیت

امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ مجموع ویژگی هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می کنند یا به بیان دیگر معطوف به جنبه هایی از زندگی فرد می گردد که هویت گروهی را سامان می بخشد. «بوزان بحث خود را با بیان ارگانیک نرفته در این تئوری آغاز می کند و معتقد است امنیت اجتماعی به مقابله با خطراتی می پردازد که به صورت نیروهای بالقوه یا بالفعل هویت افراد جامعه را تهدید می کنند. امنیت اجتماعی از

1. Alkimim et al

2. Cooper

3. Abdullah





۱۷۹

نظر بوزان به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر، مربوط به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌شود که هویت اجتماعی او را سامان می‌بخشند. یعنی حوزه‌ای از حیات اجتماعی که فرد خود را ضمیر ما متعلق و منتسب می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند، مثل ما ایرانیان، ما زنان، ما مسلمانان، ما اعراب، و غیره. حال هر عامل و پدیده‌ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه گردد، در واقع هویت گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای امنیت اجتماع محسوب می‌شود. بدین جهت است که بوزان مفهوم ارگانیکی امنیت اجتماعی را هویت دانسته و امنیت اجتماعی را مترادف امنیت هویتی تلقی کرده است.» (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۵).

بوزان ممنوعیت به کارگیری زبان، نام‌ها و لباس‌ها از طریق بستن مکان‌های آموزشی و دینی یا تبعید و کشتار اعضای یک اجتماع را، از جمله عواملی می‌داند که امنیت اجتماعی را تهدید می‌نماید. در واقع آنچه که باعث می‌گردد که گروه اجتماعی سامان گیرد احساس وابستگی بالاست که میان اعضای گروه وجود دارد و به آن‌ها کلیت یکپارچه‌ای را می‌بخشد، که مبنای تعریف اعضاء از هستی خویش خواهد بود و شناسایی دیگران به عنوان بیگانه و خارجی. بوزان عنصر بنیادی امنیت اجتماعی را هویت دانسته و امنیت اجتماعی را مترادف امنیت هویتی تلقی می‌نماید. بوزان درک مفهوم امنیت اجتماعی به عنوان امنیت هویت تأکید و یک اشتباه مفهومی در باب کلمه Societal را یادآور شده است. به نظر وی امنیت اجتماعی نبایستی با تأمین اجتماعی در نظر گرفته شود چرا که تأمین اجتماعی درباره افراد و به طور گسترده در اقتصاد مطرح است ولی امنیت اجتماعی درباره جمع‌های بشری و هویت‌شان می‌باشد و به سطح افراد و به طور اخص به پدیده‌های اقتصادی قابل تقلیل نیست، بلکه به سطح هویت‌های جمعی و کنش‌هایی که به منظور دفاع از هویت‌ها، تحت عنوان ما صورت می‌گیرد، نظر دارد (بیات، ۱۳۸۸: ۸۶-۸۷). امنیت مورد نظر بوزان، بیشتر دولت محور است و کمتر به ابعاد و تحولات فرهنگی و اجتماعی جدیدی توجه دارد که از این حیث، مورد نقد قرار گرفته است. به نظر ویور که از پایه‌گذاران مکتب کپنهاک است، رهیافت بوزان با تحویل معنای امنیت اجتماعی و ادغام آن با امنیت ملی، مفهوم هویت را نادیده

## Archive of SID

می گیرد. او پیشنهاد می کند که امنیت اجتماعی هم تراز با امنیت زیست محیطی، امنیت سیاسی و امنیت اقتصادی نیست، بلکه این مفهوم هم سنگ امنیت ملی است (ریعی، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

ویور، رویکرد پنج بعدی بوزان به امنیت را رد می کند و به جای آن، تنها دو صورت امنیت، یعنی امنیت دولت و امنیت اجتماعی را مطرح می سازد. از نظر وی امنیت اجتماعی را توانایی جامعه برای حفظ ویژگی های اساسی اش تحت شرایط تغییر و تهدیدات واقعی و محتمل تعریف می کند (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲۲). وی بر ارتباط نزدیک میان هویت، جامعه و امنیت تأکید دارد و خاطر نشان می کند که جامعه، امنیت هویتش را جستجو می کند. به طوری که باید قادر به حل اختلالات هویتی باشد و اعضای آن نمی توانند نسبت به چیزهایی که هویت شان را تهدید می کند احساس مسئولیت نداشته و آن ها را تنها به دولت واگذار نمایند. بوزان و ویور با الهام از عقاید جان لاک به تحلیل ابعاد امنیت پرداخته اند؛ بوزان در جمله ای از جان لاک نقل می کند: هدف اصلی انسان ها از این که خود را در اختیار دولت قرار می دهند، حفظ دارایی آن هاست؛ منظور از دارایی در اینجا "حیات" (امنیت جانی و جمعی)، "آزادی" (امنیت فکری) و مایملک (امنیت مالی) است که در حالت عادی فاقد امنیت هستند (بوزان، ۲۰۰۰: ۵۴). در مطالعات مختلف احساس امنیت دارای چهار بعد می باشد: احساس امنیت جانی، احساس امنیت اقتصادی (فردی و عمومی)، احساس امنیت ناموسی، احساس امنیت اجتماعی (دلاور و جهاتتاب، ۱۳۹۰: ۸۰).

مولار در مبحث امنیت اجتماعی با الهام از نظرات بوزان و ویور، اشکال نامنی را مطرح کرده است و آن ها را از باب هدف مرجع امنیت (یعنی امنیت برای چه کسی؟) و نوع تهدیدات از یکدیگر متمایز کرده است؛ وی بحث خود را با شرح اشکال متفاوت امنیت آغاز می کند و معتقد است امنیت در سه شکل ملی، اجتماعی و انسانی وجود دارد. به عقیده مولار امنیت اجتماعی به عنوان موضوع هویت ایمن برای گروه های اجتماعی مانند: ملت ها، گروه های قومی و مذهبی به شمار می آید؛ همچنین مولار معتقد است امنیت اجتماعی به بقای گروه های اجتماعی توجه دارد که به جهت اشتراك اعضای آن در اندیشه، احساس و اعمال، کلیت یکپارچه ای را تشکیل می دهند که از آن به عنوان هویت یاد می شود (نویدینا، ۱۳۸۲: ۶۱). جمالی و شایگان در مطالعه خود برای ارزیابی احساس امنیت از سه



شاخص احساس امنیت جانی، احساس امنیت مالی و احساس امنیت عاطفی استفاده کردند (جمالی و شایگان، ۱۳۹۰: ۱۰۴). همچنین حسنونند برای سنجش احساس امنیت از سه شاخص احساس امنیت مالی، جانی و اجتماعی استفاده نمود (حسونند، ۱۳۹۰: ۷۰). امنیت اجتماعی توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی و غیره در حفظ هستی و موقعیت خود است. به عبارت دیگر حالت فراغت از هویت جمعی و گروهی را امنیت اجتماعی می‌گویند (گروسی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۹). منظور از امنیت جانی از بین بردن هرگونه تهدیدی است که بر علیه جان انسان‌ها وجود داشته باشد. منظور از امنیت مالی این است که دارایی و اموال افراد تا چه حد در امنیت می‌باشد و این دارایی‌ها مورد تهدید قرار نمی‌گیرند. امنیت اخلاقی (ناموسی) تضمین اصول و الگوهای اخلاقی در روابط و مناسبات افراد می‌باشد. معرف‌های امنیت اخلاقی شامل سپردن سرمایه به فرد دیگری جهت سرمایه‌گذاری، کمک به سرنشینان اتومبیلی که در شب، در خیابان خراب شده یا صدمه دیده است، برقراری ارتباط دوستی با افراد غریبه، دعوت افراد غریبه به منزل و انجام معاملات مهم به تنهایی تعریف شده است (حسینی نثار و قاسمی، ۱۳۹۱: ۳). گرچه وجود جرایم و یا ناامنی‌های اجتماعی به معنی عدم وجود احساس امنیت نمی‌باشد، اما در مواقع خاص وقوع برخی جرایم پرخطر نگرانی‌هایی را برای مردم به همراه دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد مطالعات متعددی در زمینه احساس امنیت انجام شده است. عمده مطالعات انجام شده بیشتر از نظر جغرافیایی در شهرها و بر اساس جنسیت نیز بر روی زنان صورت گرفت اما مطالعات قابل توجهی در زمینه مقایسه احساس امنیت در بافت مرکزی و حاشیه‌ای انجام نشد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

### پیشینه پژوهش

مسعودنیا و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به مقایسه امنیت روانی در بین جوانان شاغل و بیکار شهر رشت پرداختند؛ در این پژوهش با نمونه ۳۸۵ نفر که به شیوه علی-مقایسه‌ای انجام شد، نتایج نشان داد که تفاوت معناداری میان جوانان شاغل و بیکار از نظر ۱۰ بعد امنیت روانی (امنیت اجتماعی، ناایمنی شخصی، اعتماد به نفس، مطابقت با دیگران، ترس از آینده، احساس امنیت، علاقه اجتماعی، احساس تحقیر و تنهایی) جوانان وجود دارد. دربان آستانه و همکاران (۱۳۹۲) در

## Archive of SID

مطالعه‌ا به تحلیل فضایی و پهنه‌بندی احساس امنیت روستاییان شهرستان شیروان و چرداول پرداختند؛ نتایج تجزیه واریانس یک طرفه نشان داد اختلاف معناداری بین دهستان‌های شهرستان وجود دارد. نتایج تحلیل فضایی نیز حاکی از وجود طبقات خوشه‌ای و متفاوت در پهنه شهرستان می‌باشد به نحوی که نواحی شمال شرقی و جنوب غربی و غرب شهرستان، کمترین احساس امنیت و نواحی مرکزی بیشترین احساس امنیت را دارند؛ همچنین نتایج تحلیل همبستگی نیز حاکی از اهمیت متغیرهایی مانند برخورداری و عملکرد پاسگاه پلیس، شاخص برخورداری، سرمایه اجتماعی، تهیه و اجرای طرح هادی، کیفیت روشنایی معابر، جمعیت روستا، فاصله روستا از جاده‌های اصلی، عملکرد رسانه‌ها و تجهیزات ارتباط روستایی بر احساس امنیت روستاییان می‌باشد. قاسمی اردهایی و نوبخت (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان حاشیه‌نشینی و احساس امنیت، مطالعه جوانان حاشیه‌نشین شهر تبریز به بررسی مسایل اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز و تأثیر آن بر احساس امنیت پرداختند که اکثر پاسخگویان احساس امنیت در محیط خانواده و نیز احساس امنیت از لحاظ فرهنگی را در سطح پایین دانسته‌اند. این امر نشان داد مسایل فرهنگی نقش به‌سزایی در میزان احساس امنیت افراد در مناطق حاشیه‌نشین داشته و رسیدگی بیشتر به بعد فرهنگی احساس امنیت و فراهم کردن امکانات فرهنگی بیشتر می‌توان میزان امنیت خاطر جوانان این منطق را افزایش داد. نبوی و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای در شهر اهواز، امنیت اجتماعی افراد را در سه بعد امنیت جانی، مالی و سیاسی را مورد بررسی قرار دادند؛ نتایج تحقیق نشان داد که ساکنین، در امنیت مالی از کمترین میزان احساس امنیت برخوردارند. پس از آن، کمترین میزان، مربوط به امنیت سیاسی افراد است و بیشترین میزان احساس امنیت افراد، مربوط به امنیت جانی آن‌ها می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان داد از یک سو گرایش به مشارکت در تأمین امنیت بر احساس امنیت اجتماعی افراد تأثیر بسزایی دارد، و از سوی دیگر پایین بودن احساس محرومیت نسبی عاملی است که فرد را بیشتر به طرف مشارکت در تأمین امنیت سوق می‌دهد. نقدی و صادقی (۱۳۸۵) در مطالعه خود در شهر تبریز به این نتیجه دست یافتند که حاشیه‌نشینان از محله زندگی خود رضایت لازم نداشته و مهم‌تر اینکه دارای احساس و هویت شهروندی نیستند، هرچند می‌توان چنین نتیجه گرفت که فراهم کردن زمینه برای شغل بهتر

در مناطق دیگر می‌تواند از شکل‌گیری این نوع مهاجرت‌ها از روستا به شهر جلوگیری کند، اما در عمل شاهد آمار روز افزون جمعیت حاشیه‌نشین در شهر تبریز هستیم. شام و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای به بررسی لکه‌های داغ منطقه جرم جنایت شهری برای زنان مسافر در سه ناحیه شهری جزیره پنانگ مالزی پرداختند. در این مطالعه نظر زنانی که از اتوبوس استفاده می‌کردند در مورد شاخص‌های سرویس‌های حمل و نقل بررسی شد. بر اساس نظر پاسخ‌گویان به ترتیب امنیت، به موقع بودن، راحتی و زیرساخت‌های ایستگاه مهم‌ترین موارد ذکر شده بودند. کاراکوس و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) در ترکیه، سعی در تبیین عوامل موثر بر احساس امنیت شهروندان نمودند. جامعه آماری تحقیق ۱۱۱۳ نفر از شهروندان شهری و روستایی ترکیه بود که به صورت تصادفی انتخاب شد. نتایج تحقیق نشان داد بین احساس امنیت و متغیرهای سن، تحصیلات، مالکیت خانه، رضایت از همسایگان، اجرای قانون ارتباط مثبت و با متغیرهای جنسیت، درآمد، قربانی جرم بودن، سکونت در شهر ارتباط منفی مشاهده شد. (لیتل و همکاران<sup>۳</sup> ۲۰۰۵) به بررسی احساس امنیت زنان در چهار روستا در کشورهای انگلستان و نیوزیلند پرداختند. پاسخ‌گویان در سه مکان زنان خانه‌دار (در خانه)، زنان حاضر در فضای عمومی و زنان شاغل (محل کار) مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج این مطالعه نشان داد در طراحی فضای عمومی باید به امنیت کالبدی، دوستانه بودن فضا و کالبد توجه بیشتر شود تا زنان روستایی در چنین کالبدی احساس امنیت نمایند.

## فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مباحث نظری و پیشینه‌ها، فرضیه‌های زیر قابل طرح است:

- بین ساکنین بافت مرکزی و حاشیه‌ای در میزان احساس امنیت جانی تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین ساکنین بافت مرکزی و حاشیه‌ای در میزان احساس امنیت مالی تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین ساکنین بافت مرکزی و حاشیه‌ای در میزان احساس امنیت ناموسی تفاوت معناداری وجود دارد.

1. sham et al

2. Karakus et al

3. Little et al

- بین ساکنین بافت مرکزی و حاشیه‌ای در میزان احساس امنیت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین حضور و عملکرد پلیس و میزان احساس امنیت تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین سن پاسخگویان و میزان احساس امنیت تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین جنسیت پاسخگویان و میزان احساس امنیت تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین تأهل پاسخگویان و میزان احساس امنیت تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین تحصیلات پاسخگویان و میزان احساس امنیت تفاوت معناداری وجود دارد.

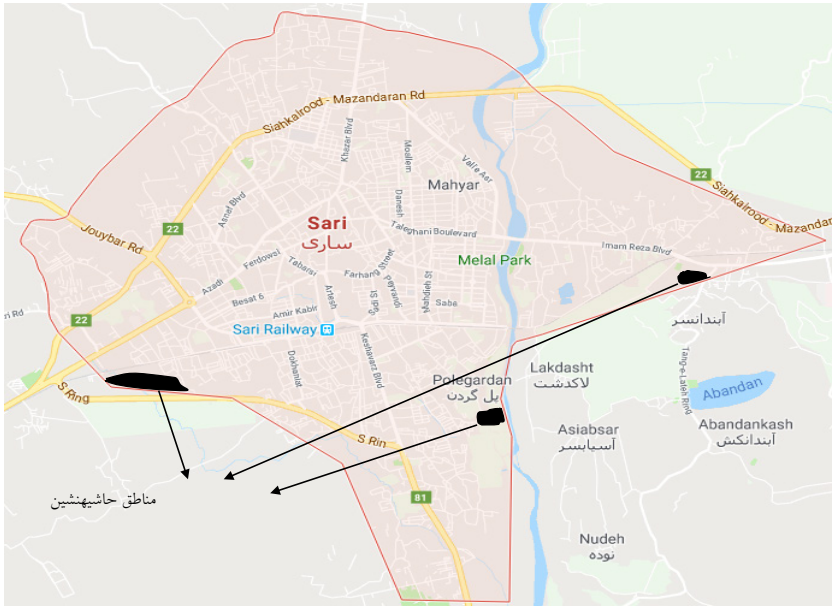
## روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، روش توصیفی - تحلیلی با تأکید بر روش مقایسه‌ای برای سنجش احساس امنیت به کار رفته است. جمع‌آوری اطلاعات نیز به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و سنجش و ارزیابی نتایج با شیوه پژوهش میدانی صورت گرفته است. در پژوهش حاضر بافت مرکزی و حاشیه‌ای در شهرستان ساری به روش تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند و تلاش گردید نمونه‌های یاد شده از نظر جغرافیایی، سبک زندگی و آداب و رسوم و سایر مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی تا حد امکان متنوع باشد. در پژوهش حاضر تعداد ۳۹۰ نفر از افراد ۱۵ تا ۶۴ ساله براساس فرمول کوکران به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. از این رو از مجموع پرسشنامه‌ها به نسبت جمعیت نقاط مورد نظر، ۴۷ درصد (۱۸۳ پرسشنامه) در بافت مرکزی و ۵۳ درصد (۲۰۷ پرسشنامه) در نقاط حاشیه‌ای توزیع گردید. به منظور اطمینان از اعتبار پرسشنامه از پژوهش‌های پیشین کمک گرفته شد و اصلاحات نهایی در پرسشنامه‌ها اعمال گردید. برای تعیین پایایی پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای گویه‌های مورد بررسی ۰/۸۹ به دست آمده، که در سطح مناسبی است. داده‌های جمع‌آوری شده با کمک نرم‌آزار SPSS در سطح آمار توصیفی و استنباطی تحلیل گردیدند. برای تجزیه و تحلیل متغیرها از آزمون یو من ویتنی و برای متغیرهای فاصله‌ای از آزمون t مستقل استفاده شد.

## محدوده جغرافیایی مورد مطالعه

شهرستان ساری واقع در کوهپایه‌های رشته کوه البرز دارای دو بخش کوهستانی و دشت می‌باشد در طول جغرافیایی ۵۳ درجه و ۵ دقیقه و عرض ۳۶ درجه و ۴ دقیقه

از شرق به فاصله حدود ۱۰ کیلومتر به شهرسورک و از شمال به فاصله ۲۷ کیلومتر به دریای مازندران و از شمال به فرح آباد، جویبار و لاریم و از غرب به فاصله ۱۰ کیلومتر به قائمشهر و از جنوب به فاصله ۳۰ کیلومتر به سد شهید رجایی و بوسيله آزادراه در حال ساخت به فاصله تقریبی ۶۰ کیلومتر به کیاسر محدود است.



تصویر ۱: محدوده مورد مطالعه

## یافته‌های توصیفی پژوهش

براساس یافته‌های پژوهش از نظر جنسیت، مردان با ۲۰۷ نفر (۵۳/۰۷ درصد) و از نظر وضع تأهل، متأهلین با ۲۵۱ نفر (۶۴/۳ درصد) بیشترین پاسخگویان را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین از نظر تحصیلات، بیشترین پاسخگویان دارای مدرک لیسانس با ۱۸۵ نفر (۴۷/۴ درصد) و کمترین آن دارای مدرک فوق دیپلم و پایین‌تر با ۵۵ نفر (۱۴ درصد) می‌باشند.



جدول ۱: توزیع درصدی ویژگی های پاسخگویان

جنس	درصد	وضع تأهل	درصد	تحصیلات	درصد
مرد	۵۳/۰۷	مجرد	۳۵/۷	فوق دیپلم و پایین تر لیسانس	۱۴ ۴۷/۴
زن	۴۶/۹	متأهل	۶۴/۳	فوق لیسانس دکتری	۲۲/۲ ۱۶/۴

بر اساس اطلاعات جدول ذیل، احساس امنیت جانی در مناطق مرکزی بیشتر از ساکنین مناطق حاشیه نشین می باشد؛ در واقع ۸/۶ درصد از پاسخگویان مناطق شهری احساس امنیت جانی خیلی زیاد، ۱۱/۸ درصد احساس امنیت جانی زیاد و ۲۲/۷ درصد احساس امنیت جانی متوسط دارند. در حالی که در مناطق مرکزی این آمار به ترتیب، ۱۶/۶ درصد، ۲۱/۵ درصد و ۳۵/۹ درصد را نشان می دهد.

با توجه به اطلاعات جدول ذیل، احساس امنیت مالی در بافت مرکزی بیشتر از ساکنین مناطق حاشیه نشین می باشد؛ در واقع ۹/۸ درصد از پاسخگویان مناطق حاشیه ای احساس امنیت مالی خیلی زیاد، ۱۱/۵ درصد احساس امنیت مالی زیاد و ۲۲/۸ درصد احساس امنیت مالی متوسط دارند. در حالی که در بافت مرکزی شهر این آمار به ترتیب، ۱۳/۱ درصد، ۲۳/۲ درصد و ۳۶/۲ درصد را نشان می دهد.

اطلاعات جدول ذیل نشان می دهد، احساس امنیت ناموسی در بافت مرکزی بیشتر از حاشیه نشینان می باشد؛ در واقع ۷/۹ درصد از پاسخگویان مناطق حاشیه نشین احساس امنیت جانی خیلی زیاد، ۹/۹ درصد احساس امنیت ناموسی زیاد و ۲۴/۴ درصد احساس امنیت ناموسی متوسط دارند. در حالی که در بافت مرکزی شهر این آمار به ترتیب، ۱۸/۶ درصد، ۲۳/۵ درصد و ۳۲/۹ درصد را نشان می دهد.

بر اساس اطلاعات جدول ذیل، احساس امنیت اجتماعی در بافت مرکزی شهر بیشتر از ساکنین مستقر در مناطق حاشیه نشین می باشد؛ در واقع ۹/۷ درصد از پاسخگویان مناطق حاشیه نشین احساس امنیت اجتماعی خیلی زیاد، ۹/۸ درصد احساس امنیت اجتماعی زیاد و ۲۵/۷ درصد احساس امنیت اجتماعی متوسط دارند. در حالی که در مناطق مرکزی شهر آمار به ترتیب، ۱۹/۶ درصد، ۲۰/۵ درصد و ۳۳/۹ درصد را نشان می دهد.



جدول ۲: توزیع فراوانی ابعاد احساس امنیت

اجتماعی			ناموسی			مالی			جانی			مناطق
درصد تجمعی	درصد	مقدار	درصد تجمعی	درصد	مقدار	درصد تجمعی	درصد	مقدار	درصد تجمعی	درصد	مقدار	
۹/۷	۹/۷	خ زیاد	۷/۹	۷/۹	خ زیاد	۹/۸	۹/۸	خ زیاد	۸/۶	۸/۶	خ زیاد	حاشیه نشین
۱۹/۵	۹/۸	زیاد	۱۷/۸	۹/۹	زیاد	۲۱/۳	۱۱/۵	زیاد	۲۰/۴	۱۱/۸	زیاد	
۴۵/۲	۲۵/۷	متوسط	۴۲/۲	۲۴/۴	متوسط	۴۴/۱	۲۲/۸	متوسط	۴۳/۱	۲۲/۷	متوسط	
۷۴/۶	۲۹/۴	کم	۶۹/۵	۲۷/۳	کم	۷۳/۴	۲۹/۳	کم	۷۰/۶	۲۷/۵	کم	
۱۰۰	۲۵/۴	خ کم	۱۰۰	۳۰/۵	خ کم	۱۰۰	۲۶/۶	خ کم	۱۰۰	۲۹/۴	خ کم	
۱۹/۶	۱۹/۶	خ زیاد	۱۸/۶	۱۸/۶	خ زیاد	۱۳/۱	۱۳/۱	خ زیاد	۱۶/۶	۱۶/۶	خ زیاد	بافت مرکزی
۴۰/۱	۲۰/۵	زیاد	۴۲/۱	۲۳/۵	زیاد	۳۶/۶	۲۳/۲	زیاد	۳۸/۱	۲۱/۵	زیاد	
۷۴	۳۳/۹	متوسط	۷۵	۳۲/۹	متوسط	۷۲/۵	۳۶/۲	متوسط	۷۴	۳۵/۹	متوسط	
۸۶/۸	۱۲/۸	کم	۸۵/۸	۱۰/۸	کم	۸۶/۷	۱۴/۲	کم	۸۷/۸	۱۳/۸	کم	
۱۰۰	۱۳/۲	خ کم	۱۰۰	۱۴/۲	خ کم	۱۰۰	۱۳/۳	خ کم	۱۰۰	۱۲/۲	خ کم	

### میزان احساس امنیت به تفکیک بافت مرکزی و حاشیه ای

با توجه به داده های استخراج شده و بر اساس اطلاعات جدول ذیل، احساس امنیت جانی در بین ساکنین مناطق مرکزی (۳۱/۲ درصد) بوده که نسبت به مناطق حاشیه نشین (۱۷/۸ درصد) از وضعیت مطلوب تری برخوردار بود که با توجه به بافت جمعیت مناطق مرکزی و وجود تعامل عمومی در بافت شهری، شکل گیری

## Archive of SID

فعالیت‌های گروهی مردم بیشتر بوده است. همچنین میزان احساس امنیت مالی در بین ساکنین مناطق حاشیه‌نشین (۱۹/۳ درصد) بوده که نسبت به مناطق مرکزی (۲۹/۹ درصد) از وضعیت نامناسبی برخوردار است. بر اساس بررسی‌های به عمل آمده در مناطق حاشیه‌نشین، وضعیت درآمد عمومی و معیشتی مردم و پاسخگویان مناسب نبوده و از این حیث احساس نگرانی می‌کردند؛ اما در بین ساکنین مناطق مرکزی به دلیل درآمد نسبی احساس آرامش بیشتری وجود داشت. در خصوص متغیر سوم، جدول ذیل نشان می‌دهد ساکنین مناطق مرکزی (۳۸/۶ درصد) نسبت به مناطق حاشیه‌نشین (۱۹/۸ درصد) از احساس امنیت ناموسی بیشتری برخوردارند و به نظر می‌رسد در مناطق حاشیه‌نشین بر اساس شیوع انواع جرائم و پرسه زدن مجرمین خطرناک و حضور در معابر عمومی، احتمال تعرض به افراد و خانواده‌ها بیشتر بوده و افراد از این جهت احساس نگرانی می‌کنند. همچنین اطلاعات جدول ذیل بیان می‌دارد، احساس امنیت اجتماعی در بین ساکنین مناطق مرکزی (۲۷/۹ درصد) بوده که نسبت به مناطق حاشیه‌نشین (۸/۶ درصد) تغییر قابل توجهی دارد؛ بنابر این ساکنین مناطق حاشیه‌ای از احساس امنیت اجتماعی مناسبی برخوردار نبوده و کمتر در محیط اجتماعی حضور یافته و خصوصاً در شب‌ها احساس ترس می‌کنند.

جدول ۳: میزان احساس امنیت به تفکیک بافت مرکزی و حاشیه‌ای

درصد		ابعاد احساس امنیت
حاشیه‌نشین	بافت مرکزی	
۱۷/۸	۳۱/۲	احساس امنیت جانی
۱۹/۹	۲۹/۳	احساس امنیت مالی
۱۹/۸	۳۸/۶	احساس امنیت ناموسی
۸/۶	۲۷/۹	احساس امنیت اجتماعی



۱۸۹

## یافته‌های استنباطی پژوهش

برای بررسی معناداری میزان احساس امنیت در میان ساکنین بافت مرکزی و حاشیه نشین، به بررسی و آزمون هر کدام از متغیرهای احساس امنیت پرداخته شد؛ در این آزمون چون دو جامعه مورد مطالعه از نوع مستقل می‌باشند از آزمون یو من ویتنی استفاده گردید که نتایج آزمون نشان‌دهنده معنادار بودن میزان احساس امنیت در بین ساکنین مناطق مرکزی و حاشیه نشین است؛ و این تفاوت با اطمینان ۹۵ درصد معنادار است؛ به عبارتی دیگر، ساکنین بافت مرکزی نسبت به مناطق حاشیه نشین از احساس امنیت بیشتری برخوردار هستند.

جدول ۴: آزمون تفاوت در متغیرهای احساس امنیت

آزمون تفاوت‌ها	امنیت جانی	امنیت مالی	امنیت ناموسی	امنیت اجتماعی
Mann-Whitney U	۱۶۸۴۵	۱۷۳۵۶/۵	۱۸۶۶۲/۵	۱۸۷۶۱/۵
Wilcoxon W	۳۶۴۶۳	۳۷۶۷۵/۵	۳۴۵۴۳/۵	۳۴۶۶۰/۵
Z	-۳/۰۳۸	-۱/۲۸۳	-۳/۳۶۵	-۱/۴۲۵
(tailed-۲). Asymp. Sig	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

بر اساس فرضیه‌های پژوهش که به دنبال بررسی تفاوت میزان احساس امنیت جانی، مالی، ناموسی و اجتماعی میان ساکنین مناطق حاشیه نشین و مرکزی در شهرستان ساری می‌باشد، پس از اجرای آزمون یو من ویتنی، از آزمون T مستقل استفاده گردید که نتایج آزمون نشان می‌دهد میزان احساس امنیت در بین ساکنین مناطق حاشیه نشین و بافت مرکزی در هر یک از متغیرهای فوق تفاوت معناداری دارد.

جدول ۵: آزمون تفاوت میانگین متغیرهای احساس امنیت

سطح معناداری	درجه آزادی	T	آزمون یکنواختی واریانس‌ها	انحراف معیار	میانگین	جامعه نمونه	متغیر
۰/۰۰۰	۳۹۰	۳/۰۷۶	۰/۱۰۲	۱/۸۲	۶/۵۲	حاشیه	امنیت جانی احساس
				۱/۷۱	۸/۵۸	مرکزی	
۰/۰۰۰	۳۹۰	۳/۰۸۸	۰/۱۰۳	۱/۸۴	۷/۵۳	حاشیه	امنیت مالی احساس
				۱/۷۸	۸/۶۳	مرکزی	
۰/۰۰۰	۳۹۰	۵/۰۱۸	۰/۱۰۱	۱/۶۵	۷/۹۱	حاشیه	امنیت ناموسی احساس
				۱/۴۲	۸/۸۴	مرکزی	
۰/۰۰۰	۳۹۰	۴/۰۳۱	۰/۱۰۷	۱/۷۵	۷/۴۱	حاشیه	امنیت اجتماعی احساس
				۱/۶۲	۸/۴۳	مرکزی	

بر اساس فرضیه پنجم برای پی بردن به این موضوع که آیا بین حضور و عملکرد پلیس و احساس امنیت تفاوت معناداری وجود دارد یا خیر، از آزمون t مستقل استفاده شد؛ همچنین برای بررسی تفاوت معناداری بین سن، جنسیت، تأهل و تحصیلات با احساس امنیت نیز از آزمون‌های مربوطه استفاده شد که نتایج در جدول ذیل نشان داده شد.

جدول ۶: نتایج تحلیلی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته

رد فرضیه	تأیید فرضیه	سطح معناداری	احساس امنیت	
			متغیرهای زمینه‌ای	
	*	۰/۰۰۰	آزمون t	عملکرد پلیس
*		۰/۳۱۲	آزمون t	سن
*		۰/۱۷۲	آزمون f	جنسیت
*		۰/۱۸۳	آزمون f	تأهل
*		۰/۱۷۵	آزمون f	تحصیلات

نتایج آزمون مورد نظر در جدول فوق برای فرضیه پنجم نشان می‌دهد در سطح معناداری ۰/۰۰۰ بین حضور و عملکرد پلیس و احساس امنیت تفاوت معناداری وجود دارد، بنابراین فرضیه پنجم تأیید می‌گردد. همچنین بر اساس اطلاعات جدول فوق، تفاوت معناداری بین متغیرهای سن، جنسیت، تأهل و تحصیلات با میزان احساس امنیت وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه ششم تا نهم رد می‌شود.

### نتیجه‌گیری

امنیت از اصلی‌ترین نیاز انسان‌ها در طول حیات بشر بوده و بدون شک هیچ عنصری برای شکوفایی استعدادها مهم‌تر از عنصر امنیت نبوده و جایگاه امنیت در ساختار حکومتی کشورها به گونه‌ای است که هرگونه توسعه در ابعاد گوناگون اجتماعی بدون امنیت امکان‌پذیر نیست؛ در ایران نیز برقراری امنیت، انسجام و تحکیم ثبات اجتماعی و کاهش هرگونه ترس و ناامنی در میان آحاد مردم، از مهم‌ترین راهبرد کلان کشور است؛ اما صرف نظر از مقوله امنیت که ایجاد و حفظ آن وظایف سنگینی را بر دوش دستگاه حاکمیت و آحاد مردم نهاده است، احساس امنیت که مربوط به بعد روانی امنیت می‌باشد نیز در مواردی مهم‌تر از امنیت می‌باشد. بنابراین هرگاه احساس امنیت در بین توده مردم، سیاست‌مداران و تصمیم‌گیران حکومتی ارتقا پیدا کند، آرامش روانی و اجتماعی خوبی در جامعه ایجاد می‌شود که در پرتو آن ساختارهای گوناگون اجتماعی در جامعه شکل گرفته و روح تعاون و همکاری در بین مردم تقویت می‌گردد؛ از سویی، هرگاه میزان احساس

## Archive of SID

امنیت در جامعه ای کاهش یابد، امنیت نیز به همان میزان تضعیف می گردد؛ از طرفی، شناخت میزان احساس امنیت مردم در مناطق گوناگون و فراهم آوردن زمینه های شکل گیری و بسط آن از مهم ترین اولویت های سیاست گذاران کلان کشور خواهد بود. بنابراین، توجه به جایگاه احساس امنیت در جامعه و سنجش میزان آن در مناطق حاشیه نشین و مرکزی کمک می کند تا با نگاه واقع بینانه پدیده های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و گامی اساسی در جهت رشد و توسعه متوازن کشور برداشته شود. بر اساس مطالعات به عمل آمده در مبانی نظری پژوهش مشخص گردید احساس امنیت دارای مؤلفه های گوناگونی است که امنیت جانی، مالی، ناموسی و اجتماعی از مهم ترین مؤلفه ها می باشد؛ با توجه به توضیحات ارائه شده در مبانی نظری، فرضیه های پژوهش به شرح ذیل تشریح می گردد.

در این پژوهش که به مطالعه تطبیقی احساس امنیت در بین ساکنین بافت مرکزی و حاشیه نشین در شهرستان ساری پرداخته شد، مشخص گردید احساس امنیت در بین دو جامعه مستقل متفاوت است و این تفاوت در سطح آلفای  $0/05$  معنادار است. در بررسی میزان احساس امنیت به تفکیک مناطق مرکزی و حاشیه نشین، بیشترین میزان به احساس امنیت ناموسی و کمترین میزان به احساس امنیت اجتماعی اختصاص یافت که در هر دو مؤلفه میزان آن در بافت مرکزی مطلوب تر از مناطق حاشیه ای بوده است.

در فرضیه اول که به دنبال بررسی تفاوت میزان احساس امنیت جانی در میان ساکنین مناطق مرکزی و حاشیه ای در شهرستان ساری می باشد، پس از اجرای آزمون یو من ویتنی مشخص شد میزان احساس امنیت جانی در میان دو جامعه مستقل در شهرستان ساری متفاوت بوده و در سطح آلفای  $0/05$  معنادار است و این فرضیه تأیید می گردد؛ به عبارت دیگر، ساکنین مناطق مرکزی نسبت به مناطق حاشیه ای از احساس امنیت جانی بیشتری برخوردارند.

در فرضیه دوم که به دنبال بررسی تفاوت میزان احساس امنیت مالی در میان ساکنین مناطق مرکزی و حاشیه ای در شهرستان ساری می باشد، پس از اجرای آزمون یو من ویتنی مشخص شد میزان احساس امنیت مالی در میان دو جامعه مستقل در شهرستان ساری متفاوت بوده و در سطح آلفای  $0/05$  معنادار است و این فرضیه



۱۹۳

تأیید می‌گردد؛ به عبارت دیگر، ساکنین بافت مرکزی نسبت به بافت حاشیه از احساس امنیت مالی بیشتری برخوردارند.

در فرضیه سوم که به دنبال بررسی تفاوت میزان احساس امنیت ناموسی در میان ساکنین بافت مرکزی و حاشیه‌ای در شهرستان ساری می‌باشد، پس از اجرای آزمون یو من ویتنی مشخص شد میزان احساس امنیت ناموسی در میان دو جامعه مستقل در شهرستان ساری متفاوت بوده و در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار است و این فرضیه تأیید می‌گردد؛ به عبارت دیگر، ساکنین مناطق مرکزی نسبت به نقاط حاشیه نشین از احساس امنیت ناموسی بیشتری برخوردارند.

در فرضیه چهارم که به دنبال بررسی تفاوت میزان احساس امنیت اجتماعی در میان ساکنین بافت مرکزی و حاشیه نشین در شهرستان ساری می‌باشد، پس از اجرای آزمون یو من ویتنی مشخص شد میزان احساس امنیت اجتماعی در میان دو جامعه مستقل در شهرستان ساری متفاوت بوده و در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار است و این فرضیه تأیید می‌گردد؛ به عبارت دیگر، ساکنین مناطق مرکزی نسبت به نقاط حاشیه نشین از احساس امنیت اجتماعی بیشتری برخوردارند.

در فرضیه پنجم که به دنبال بررسی تفاوت بین حضور و عملکرد پلیس و احساس امنیت می‌باشد، پس از اجرای آزمون t مستقل در سطح معناداری ۰/۰۰۰ مشخص شد تفاوت معناداری بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد، به عبارتی، چنانچه حضور پلیس در اماکن مورد نظر بیشتر باشد و عملکرد مطلوب تری از خود نشان دهد، احساس امنیت در بین ساکنین افزایش می‌یابد.

در فرضیه‌های ششم تا نهم که به بررسی تفاوت بین متغیرهای سن، جنسیت، تأهل و تحصیلات با میزان احساس امنیت پرداخته شد، مشخص گردید تفاوت معناداری بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود ندارد؛ به عبارتی، تمامی ساکنین با جنسیت‌های گوناگون دیدگاه‌های یکسانی نسبت به احساس امنیت داشته و آن را تغییری مهم در جامعه می‌دانند، در نتیجه فرضیه ششم تا نهم رد می‌شود. بنابراین با توجه به پیشینه ارائه شده، یافته‌های این پژوهش به نوعی با یافته‌های مسعودنیا و همکاران (۱۳۹۵)، قاسمی اردهایی و نوبخت (۱۳۹۴) که به بررسی احساس امنیت در مناطق حاشیه نشین پرداخته، دربان آستانه و همکاران (۱۳۹۲)، نبوی و همکاران (۱۳۸۹)، کاراکوس و همکاران (۲۰۱۰) و لیتل و همکاران (۲۰۰۵) که به بررسی

## Archive of SID

مقایسه ای احساس امنیت در مناطق متفاوت و بعضا با جنسیت های گوناگون یا بخشی از مناطق شهری یا بالعکس با مؤلفه های متفاوت پرداختند، همخوانی دارد.

### پیشنهاد های پژوهش

- نقش و جایگاه پیوندهای اجتماعی در تقویت روابط بین فردی بر هیچکس پوشیده نیست؛ بنابراین دستگاه های فرهنگی برنامه های متنوعی در مناسبت های مذهبی برای مردم، خصوصا در مناطق حاشیه نشین با مشارکت شهرداری و بخش های فرهنگی-اجتماعی سایر سازمان ها پیش بینی کنند.
- ارتقای سطح آگاهی و دانش اجتماعی اقشار هدف از برنامه های بلند مدت بوده که آموزش و پرورش، برنامه های راهبردی را به منظور تحکیم انضباط اجتماعی و افزایش دانش اجتماعی دانش آموزان در مدارس مناطق هدف پیش بینی و اجرا کند.
- آموزش مقابله با مشکلات فردی و اجتماعی و سبک زندگی اسلامی به کودکان، نوجوانان و جوانان، آموزش پیش گیری از آسیب های اجتماعی به خانواده ها با هدف توانمندسازی والدین در برنامه های کوتاه مدت و میان مدت برای کاهش آسیب های اجتماعی در مناطق حاشیه نشین.
- پلیس برای توسعه احساس امنیت در درون شهر و به خصوص در مناطق آلوده و جرم خیز حضور فیزیکی کارکنان را تقویت نموده و فناوری های شناسایی و کشف جرم را توسعه داده تا احساس امنیت ناموسی و اجتماعی مردم در مناطق حاشیه ای افزایش یابد.
- با توجه به اینکه اساسا ساکنین مناطق حاشیه ای شهر از امکانات متنوع فرهنگی و اعتقادی محروم می باشند، زیرساخت های لازم برای تقویت و توسعه برنامه های دینی پیش بینی شود.
- عالمان و دانشمندان دینی ظرفیت های فراوانی دارند که می توانند به آرامش روانی مناطق حاشیه شهر کمک نمایند؛ لذا حضور دائمی اقشار تأثیرگذار در مناطق حاشیه ای برای ارتقاء احساس امنیت پیش بینی گردد؛ از طرفی در بافت شهری نیز برنامه های دقیق تر و هدفمندتر اجرا گردد.
- زمینه مشارکت سازمان ها و تشکل های مردم نهاد، مؤسسه های خیریه فعال در امور دینی، فرهنگی، اجتماعی و معیشتی به منظور فراهم آوردن دوره های





۱۹۵

آموزشی برای زنان خانه‌دار و افراد در معرض آسیب و کمک‌های مالی برای افزایش احساس امنیت مالی در مناطق حاشیه‌ای از سوی سازمان‌های مسئول پیش‌بینی و در یک پروسه زمانی اجرا گردد.

■ بررسی‌ها نشان می‌دهد که ویتترین عمومی مناطق حاشیه شهر از نظر ساخت و سازها، روشنایی در شب، خیابان‌ها و کوچه‌ها، بهداشت عمومی و... بسیار نامناسب بوده که لازم است تمامی سازمان‌های متولی در یک برنامه جامع (کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت) با تخصیص بودجه مناسب و با همگرایی لازم نسبت به رفع مشکلات اقدام کنند.

■ با توجه به انتظار عمومی مردم صرف نظر از گروه‌های سنی، جنسیت، تأهل و تحصیلات در خصوص احساس امنیت، برنامه‌ریزی‌های نهادی برای سازمان‌های متولی امنیت از جمله پلیس باید جامع و فراگیر بوده و با حضور فیزیکی تمامی گروه‌ها را شامل گردد.

## منابع

- باقری، علیرضا (۱۳۹۱)، بررسی نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد امنیت اجتماعی در شهرستان ساری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی ساری.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی (با تأکید بر رسانه‌های جمعی، عملکرد پلیس و بروز جرایم)، انتظام اجتماعی، سال اول، شماره ۱: ۳۱-۵۵.
- بیات، بهرام، (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی احساس امنیت. چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ترابی، یوسف؛ گودرزی، آیت (۱۳۸۴)، ارزش‌ها و امنیت اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی، سال ششم، شماره دوم.
- حسونند، احسان (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: شهرستان سلسه)، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره چهارم، سال چهارم، ص ۸۰-۵۹.
- حسینی‌نثار، مجید؛ قاسمی، علی (۱۳۹۱)، بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن در کشور، چهارمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد مقدس، صص ۱۲-۱.
- خلیلی، رضا (۱۳۸۱)، مهاجرت نخبگان، پدیده‌ای اجتماعی یا موضوع امنیت ملی، مطالعات راهبردی
- دراکاکیس اسمیت، دیوید (۱۳۷۷)، شهر جهان سوم، ترجمه فیروز جمالی، تهران، نشر توسعه.
- دربان آستانه، علیرضا؛ عسگری، حشمت‌اله؛ قربانی، فاطمه (۱۳۹۲)، تحلیل فضایی و پهنه‌بندی احساس امنیت روستاییان شهرستان شیروان و چرداول، فصلنامه علمی-پژوهشی آمایش جغرافیایی فضا، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۲۶-۱۰۵.
- دلاور، علی؛ جهانتاب، محمد (۱۳۹۰)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت، فصلنامه مطالعات اجتماعی، سال چهارم، شماره ۴، صص ۹۵-۷۳.
- ربانی، رسول؛ افشار کهن، جواد (۱۳۸۱)، حاشیه‌نشینی و مشارکت، فرهنگ اصفهان، شماره ۳۴، صص ۱۰۱-۹۵.



۱۹۷

- ربیعی، علی (۱۳۸۴)، مطالعات امنیت ملی، مقدمه‌ای بر نظریه‌های ملی در جهان سوم. چاپ اول، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- رضایی، میثم؛ بلاغی، رسول؛ شمس‌الدینی، علی؛ شاعر، فاطمه؛ ماندنی، سعید (۱۳۹۵)، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، علمی- پژوهشی، سال سیزدهم، شماره ۵۲.
- ریترز، جورج (۱۳۷۳)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، احمد غروی زاده، تهران، جهاد دانشگاهی.
- زاهدی اصل، محمد (۱۳۸۰)، امنیت اجتماعی زیرساخت سلامت اجتماعی، فصلنامه مددکاری اجتماعی، شماره ۸: ۱۸-۳۱.
- ساروخانی، باقر؛ هاشم‌نژاد، فاطمه (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان شهر ساری، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره دوم، صص ۹۴-۸۱.
- صالحی مرزيجرانی، زهرا (۱۳۸۴)، آسیب‌شناسی شهرنشینی در ایران امروز، مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۲۱۱-۲۱۲، تهران.
- صفاری‌راد، علی؛ تحویل‌داری، میثم (۱۳۹۴)، تحلیلی بر نقش امنیت در فضای شهری با رویکرد توسعه گردشگری شهری و با تأکید بر مؤلفه‌های امنیت‌ساز فضاهای عمومی (مطالعه موردی: شهر تالش)، همایش ملی عمران و معماری با رویکردی بر توسعه پایدار.
- طاهری، زهرا و همکاران (۱۳۹۱)، بررسی نقش پلیس و احساس امنیت در شهر اصفهان، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی نظم و امنیت، سال اول، شماره ۱.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- فارابی، ابونصر (۱۹۵۵)، مبانی آراء مدینه فاضله، بیروت، دارالعراق.
- قاسمی اردهای، علی؛ نوبخت، رضا (۱۳۹۴)، حاشیه‌نشینی و احساس امنیت: مطالعه جوانان حاشیه‌نشین شهر تبریز، فصلنامه جمعیت، سال بیست و دوم، شماره ۹۱ و ۹۲.
- کلمنتس، کوین (۱۳۸۴)، به‌سوی یک جامعه امن (ترجمه محمدعلی قاسمی)، تهران: مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره ۲: ۳۱۰-۲۸۱.

## Archive of SID

- گروسی، سعیده؛ میرزایی، جلال؛ شاهرخی، احسان(۱۳۸۶)، بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت، دانش انتظامی، شماره ۳۴، صص ۳۸-۲۵، دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت.
- گیدنز، آتونی(۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- ماندل، رابرت(۱۳۷۹)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مسعودی فر، رضا (۱۳۹۱) تأثیر حاشیه نشینی در وقوع جرم بازیابی از سایت تخصصی حقوق: [hoqouq.com/article-print263-.html](http://hoqouq.com/article-print263-.html)
- مسعودنیا، ابراهیم؛ محمدنژاد، علیرضا؛ جوادیان لنگرودی؛ مریم(۱۳۹۵)، مقایسه امنیت روانی در بین جوانان شاغل و بیکار شهر رشت، پژوهشنامه نظم و امنیت، سال دهم، شماره ۱، صص ۴۸-۲۹.
- مک کین، لای؛ آر، لیتل(۱۳۸۰)، فرهنگ امنیت جهانی در امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها (ترجمه اصغر افتخاری)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مؤذن جامی، محمدهادی(۱۳۸۴)، تأملی در مفهوم نظم و امنیت عمومی و...، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، تهران آشنایی
- نبوی، سیدعبدالحسین؛ حسین زاده، علی حسین؛ حسینی، سیده‌هاجر(۱۳۸۹)، بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره ۲: ۷-۳۸.
- نقدی، اسدالله؛ صادقی، رسول(۱۳۸۵)، حاشیه نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۲۳۳-۲۱۳.
- نویدنیا، منیژه(۱۳۸۲)، درآمدی بر امنیت اجتماعی، مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۱۹.
- نوید نیا، منیژه(۱۳۸۸)، امنیت اجتماعی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هادی زاده، مریم(۱۳۹۴)، حاشیه نشینی و راه کارهای سامان دهی در جهان، تهران، نشر آذر برزین.
- یاورى بافقى، امیرحسین؛ صالحی صدقیانی، جمشید؛ سادات حسینی، صدیقه(۱۳۸۹)، تعیین تأثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (امنیت ملی)، پژوهش های مدیریت انتظامی، ۵(۴)، ۵۸۵-۶۰۷.

- Abdullah, Aldrin, Mohd Najib Mohd Sallehb & Siti Rasidah MdSakipa, (2012) Fear of Crime in Gated and Non-gated Residential Areas, *Procedia Social and Behavioral Sciences* 35, pp 69 – 63.
- Alkimim, Akenya, Keith C. Clarke b, Fábio S. Oliveira, (2013) Fear, crime, and space: The case of Viçosa, Brazil, *Applied Geography* 132 -42,124.
- Karakus, O. , Edmund, F. , McGarrell, and Basibuyuk, O. 2010. Fear of crime among citizens of Turkey, *Journal of Criminal Justice*, 184–174 :38.
- Little, Jo. , Ruth, P. , and Kraack, A. ( 2005). Women’s fear of crime: A rural perspective, *Journal of Rural Studies*, 163-151 :21.
- Rohana Sham, Norhayati Omar, Dia Widyawati Amat, (2012). Hot Spot Urban Crime Area for Woman Travellers, *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 68. Pp, 248-234.